



پیش بینی ویژگی‌های طلاق عاطفی زوجین بر اساس کمالگرایی و سواد عاطفی

خسرو بهرام^۱، فروغ بختیاری^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، بافت، ایران

۲- استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، بافت، ایران

Email: kh2behmaram@gmail.com

Email: fobakhtiari@pnu.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر واکاوی عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر رفسنجان بر اساس مؤلفه‌های سواد عاطفی و کمالگرایی زوجی بود که با فن پیمایش انجام گرفت. جامعه‌ی آماری نیز مشتمل بر ۳۰۰ (۱۵۰ نفر مرد و ۱۵۰ نفر زن $N=300$) نفر بود. به‌منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، پایایی پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن و سواد عاطفی با استفاده از آلفای کرونباخ، ۸۳٪ و پایایی پرسشنامه کمال‌گرایی زوجی با استفاده از آلفای کرونباخ، ۸۶٪ گزارش شد. نتایج نشان داد که متغیر سواد عاطفی و کمال‌گرایی زوجی هر کدام به میزان مختلفی طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج همچنین نشان داد که سواد عاطفی تأثیرکاهنده بر طلاق عاطفی دارد. این در حالی است که مؤلفه دیگر، کمال‌گرایی زوجی، طلاق عاطفی را افزایش می‌دهد. به لحاظ ویژگی‌های توصیفی نیز نتایج نشان داد که دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال فراوانی در بیشترین مقدار خود هست. دامنه سنی افراد نشان می‌دهد که توزیع سن تقریباً نرمال است. بر اساس نتایج اکثر افراد (۳۸/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی می‌باشند از سوی دیگر، میانگین سال‌های تاهل ۱۴/۷۷ سال و از دامنه ۵ سال تا ۳۸ سال متغیر هست بر اساس یافته‌ها افراد، کمال‌گرایی زوجی بیشتر از متوسطی را تجربه می‌کنند. همچنین یافته‌های توصیفی مربوط به سواد عاطفی نشان داد افراد سواد عاطفی متوسط رو به بالایی دارند. طبق نتایج رگرسیون چندمتغیره، دو متغیر کمال‌گرایی زوجی و سواد عاطفی، جمعاً ۱۲ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را تبیین کردند.

کلمات کلیدی: طلاق عاطفی، سواد عاطفی، کمالگرایی زوجی

۱. مقدمه

زیربنای روابط در خانواده و ایجاد نسل‌های آینده رابطه زناشویی است که بعنوان بنیادی‌ترین رابطه بشری ممکن است دچار بحران و کشمکش گردد [۱۰]. طلاق جزو پدیده‌های مرکب و چند وجهی هم در سطح فرد، خانواده و هم جامعه تلقی می‌شود. این پدیده جنبه



روانی و شخصیتی هم قابل بحث است. نه تنها بر سلامت روان زوجین بلکه در صورت داشتن فرزند بر سلامت فیزیکی و روانی آنان نیز تأثیرات متفاوتی می‌گذارد. هر چند گاهی تنها راه ایجاد آسیب روانی به خود و دیگران طلاق است زیرا ماندن در زندگی که دلسردی و دلزدگی زوجین در آن موج می‌زند موجب مشکلات عدیده دیگر خواهد شد. از سوی دیگر طلاق از نقطه نظر قانونی نیز جنبه‌های حقوقی خود را بروز می‌دهد و اثراتی وسیع و عمیق بر جامعه از نظر رشد جمعیتی گذاشته و خانواده را با تغییرات ساختاری روبرو می‌کند. طلاق عاطفی^۱ جزو مهم‌ترین علل طلاق رسمی محسوب می‌شود؛ از این رو شناخت آنچه زوج‌ها را به مرحله طلاق عاطفی می‌رساند کلیدی است. شیوع طلاق عاطفی در جامعه‌ی کنونی، لزوم بررسی آن را از جنبه‌های متعدد برجسته می‌نماید. طلاق عاطفی زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از طرفین آنقدر خسته است که به سادگی ارتباطش را قطع می‌کند. در این مرحله آن همسر عموماً نسبت به شریک زندگی خود و همچنین نسبت به رابطه بی تفاوت است. این ناهنجاری اگرچه به ممکن است به جدایی نینجامد اما زندگی آنان تهی از صمیمیت و محبت می‌شود. در فرآیند طلاق، بوهرانان^۲ [۵]، طلاق عاطفی را مرحله ای اولیه قلمداد کرده و آن را نشانه قهقرای رابطه همسری می‌داند. از طرفی، زوجین دچار طلاق عاطفی در بیرون و از نظر اجتماعی ممکن است عادی و حتی صمیمی به نظر بیایند اما در زندگی خصوصی برای یکدیگر غیر قابل تحمل باشند. همان گونه که اشاره شد طی طلاق عاطفی ساختار و چارچوب خانواده ظاهراً سالم می‌ماند اما از درون تهی می‌شود. در واقع این پدیده پنهان بسیار شیوع دارد. زوجین بدون عاطفه و احساس در کنار هم زندگی می‌کنند. بدیهی است که بررسی آسیب‌شناسی‌های اجتماعی، ناهنجاری و بزهکاری اجتماعی، بدون ملاحظات و مناسبات مرتبط با طلاق و طلاق عاطفی میسر نمی‌گردد. به بیان دیگر، یک جامعه ی در جستجوی سلامت و بهزیستی، ضرورت دارد این پدیده را مهار نماید. تحقیقات نشان داده که معیارها و عقاید افراد در ازدواج اثر به غایت مثبتی در روابط صمیمانه ایفا می‌کند [۱۴]. با بالاتر رفتن میزان تعارضات در ارتباط زوجین، ناسازگاری نیز بالا می‌رود و در نتیجه نارضایتی افزایش پیدا کرده و به این ترتیب زمینه‌های طلاق ایجاد می‌شود. دیفراین (۲۰۰۶؛ به نقل از شان، شولتز، شاپینگر و ووگل^۳ [۱۱]) نیز باور دارد طلاق عاطفی نتیجه نادیده گرفته شدن نیازها و انتظارات زوجین از یکدیگر است. از جمله عواملی مانند نگرش منفی به طلاق، وجود فرزندان، نیازهای مادی، ن، مخالفت خانواده‌ها، ترس از دست دادن موقعیت خانوادگی و اجتماعی، ترس از تنهایی، ترس از مخدوش شدن حیثیت اجتماعی، نداشتن پشتوانه مادی و معنوی، شخصیت وسواسی، ترس از آینده مبهم، ترس از طرد شدن توسط اطرافیان و یا حتی عادت نمودن به زندگی مشترک، باعث می‌شود زوجین بدون داشتن ارتباط عاطفی و جنسی به زندگی زناشویی خود ادامه دهند و طلاق عاطفی را تجربه کنند اما حرفی از طلاق مطرح نمی‌کنند [۲].

از دیگر مولفه‌های موثر در جدایی عاطفی همسران از سواد عاطفی است. اشتاینر^۴ [۱۲] اصطلاح سواد عاطفی را ابداع کرد. در مورد سواد عاطفی توضیحات متعددی وجود دارد. سواد عاطفی را به‌عنوان تمرین‌هایی درباره تفکر فردی و جمعی در مورد چگونگی شکل‌دهی احساسات به رفتارهای ما، استفاده از درک عاطفی در راه غنی‌سازی رفتارهایمان توصیف می‌شود. سواد عاطفی را به عنوان آگاهی از پاسخ‌های مناسب و اینکه چگونه احساسات ما رفتارهای ما را شکل می‌دهد تعریف کرد، با وجود اینکه تعاریف مختلفی در مورد سواد عاطفی وجود دارد، اما این تعاریف بر رابطه تجربه عاطفی با محیط اجتماعی و تعامل با دیگران تمرکز دارند.

¹ Emotional divorce

² Buhanan

³ SchaanT Schulz, Schachinger, & Vogele

⁴ Steiner



مهمترین ویژگی افراد باسواد عاطفی این است که با احساسات خود در راه ارتقای کیفیت زندگی خود و دیگران برخورد کنند؛ بنابراین سواد عاطفی عمدتاً به تعامل بین فردی بستگی دارد. از سوی دیگر سواد عاطفی بر چنان تعاملی با دیگران و محیط اجتماعی تمرکز می‌کند که اهمیت قابل توجهی برای تمرین‌هایی قائل است که مهارت‌های اجتماعی-عاطفی را توسعه می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت که سواد عاطفی بر استراتژی‌ها و شیوه‌هایی تأکید دارد که مهارت‌های اجتماعی-عاطفی را به فرد آموزش می‌دهند [۱۳]. رابطه بین ویژگی‌های شخصی و طلاق عاطفی نیز بررسی شده و مشخص شده که مهمترین خصوصیات شخصیتی که باعث دوام و قوام زندگی مشترک زوجها در بلندمدت میگردد؛ عبارتند از اعتماد به نفس و عزت نفس، خود-کارآمدی، مهارت‌های کنترل خشم و حل مسئله، انتظارات واقع‌بینانه، تاب‌آوری [۱].

سواد عاطفی به دنبال توسعه سطح رفاه فردی از طریق تعامل با دیگران است، بنابراین می‌توان آن را به عنوان ساختاری توصیف کرد که هدف آن آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی از طریق تعامل با دیگران است این حقیقت که سواد عاطفی راهبردهایی است که هدف آن آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی است، به این معناست که سواد عاطفی یک فرآیند آموزشی که در آن مهارت‌های اجتماعی-عاطفی آموزش داده می‌شود [۴، ۷، ۹]. از دیگر مولفه‌ای دخیل و موثر در ارتباطات انسانی و البته در خانواده، کمال‌گرایی^۱ است. کمال‌گرایی به عبارتی عبارتست از حفظ شاخص‌ها و اهداف سطح بالا در کمال‌گرایی به دو مدل مثبت (نرمال، بهنجار، انطباقی) و کمال‌گرایی منفی (نوروتیک، نابهنجار، غیر انطباقی، افراطی) تقسیم‌بندی می‌شود. در کمال‌گرایی نوع اول، گرچه فرد استانداردهای سطح بالایی برای عملکرد دارد، با این وجود چنین اهدافی منطقی و قابل‌دسترس هستند. در واقع فرد از کوشش در نیل به اهداف خود، بیش‌تر از دسیاهی به خود هدف لذت می‌برند. اشخاص تمامیت‌خواه در مقایسه با اشخاص عادی و نرمال، سطح رضایت زناشویی پایبندتری دارند، دیدگاه منفی نسبت به ارتباط با همسر و احساسات مثبت کمی نسبت به او دارند و دارای سطح سازگاری زناشویی پایبندتری اند [۶]. تحقیقات نشان داده که اختلالات جسمانی و روانی عیدیه‌ای از قبیل بیماری‌های قلبی و عروقی، اضطراب، فوبی اجتماعی عزت‌نفس پایین، وسواس، عدم تمرکز بر فعالیت‌ها و کاهش قدرت تجزیه و تحلیل منطقی کارها، بی‌اشتهایی روانی، خودکشی و افسردگی افراد کمال‌گرا را تهدید می‌کند. فرد کمال‌گرا به طور پیوسته افعال و افکار خود را مورد نقد سرسختانه قرار داده و داوری دیگران او را آشفته می‌کند. این خصیصه شخصیتی خود را با کوشش برای کامل شدن و اعمال استانداردهای فوق‌العاده بالا برای عملکرد و نیز ارزیابی افراطی و انتقادی از خود بروز می‌کند [۸].

مرور پژوهش‌های پیشین حاکی از این واقعیت است که کمال‌گرایی زوجی اثرات منفی بر کیفیت رابطه زناشویی دارد. محققان چندی بر این تاثیر منفی ناشی از کمال‌گرایی زوجی صحه گذاشته‌اند. می‌و همکاران نیز نشان دادند که بین رضایت زناشویی و کمال‌گرایی زوجی رابطه منفی وجود دارد و رضایت زناشویی بالا می‌رود در صورتی که کمال‌گرایی زوجی پایین‌تر باشد، با توجه به همگرایی یافته‌ها مبنی بر وجود رابطه منفی بین کمال‌گرایی زوجی و رابطه زناشویی، اهمیت مطالعه این پدیده برجسته می‌شود از سوی دیگر درک متقابل عواطف و احساسات زوجین و مهارت‌های مرتبط با آن که صمیمیت و اسنجام عاطفی افراد را تقویت می‌کند می‌تواند از بروز طلاق عاطفی ممانعت به عمل آورد. پس بررسی دو متغیر کمال‌گرایی و سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی پارتنرها دارای اهمیت است.

¹ Perfectionism



۲. روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا مطالعات نظری مرتبط با طلاق عاطفی و مطالعاتی درباره پایداری زندگی زناشویی و متغیرهای مرتبط با هر یک انجام شد. در ادامه برای استخراج آن دسته از عوامل و متغیرهایی که در پاسخ به سؤالات پژوهش در جامعه مورد بررسی نقش داشته‌اند، مصاحبه‌هایی با افراد متاهل انجام شد. این پژوهش از نوع پیمایشی است و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های ساختارمند استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه توسط اساتید مربوطه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین به منظور سنجش پایایی، از طریق محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها استفاده شد تا اصلاحات نهایی در پرسشنامه لحاظ گردد در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد و به منظور تعیین حجم نمونه از آنجایی که در تحلیل رگرسیون چندگانه بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر نمونه تعیین می‌شود و حجم نمونه نباید کمتر از ۲۰۰ نفر باشد [۳]. لذا نمونه‌ی پژوهش شامل ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر مرد و ۱۵۰ نفر زن) به عنوان نمونه انتخاب شد. همچنین، در این مطالعه، آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) و آمار استنباطی (رگرسیون چندگانه) مورد استفاده قرار گرفت.

۳. یافته‌ها و بحث

۳-۱. معرفی ویژگی‌های جمعیت شناختی

فراوانی، درصد فراوانی و درصد تراکمی مربوط به جنسیت پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌های موردنظر در جدول ۱ نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعداد کل نمونه‌ها ۳۰۰ نفر و تعداد مردان در این پژوهش با تعداد زنان برابر است. بر اساس نتایج جدول ۲، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر سن افراد را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد میانگین سنی ۳۹/۳۷ سال و از دامنه ۲۱ سال تا ۶۰ سال متغیر هست. در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال فراوانی در بیشترین مقدار خود هست



جدول ۱. توزیع فراوانی مربوط به جنسیت افراد

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
زنان	۱۵۰	۵۰	۵۰
مردان	۱۵۰	۵۰	۵۰
مجموع	۳۰۰	۱۰۰	
جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی

جدول ۲. توزیع فراوانی مربوط به سن افراد

سن	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۳۹/۳۷	۸/۶۰	۲۱	۶۲	

فراوانی و درصد فراوانی مربوط به سطح تحصیلات نمونه مورد مطالعه در جدول ۳ آمده است. بر اساس نتایج این جدول اکثر افراد (۳۸/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی می‌باشند. تنها تعداد اندکی یعنی ۲/۲ درصد افراد است دارای مدرک دکتری هستند.

جدول ۳. توزیع فراوانی مربوط به سطح تحصیلات افراد

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تراکمی
دیپلم	۶۲	۱۹/۳	۲۰/۷
فوق دیپلم	۱۴	۴/۴	۲۵/۳
لیسانس	۱۲۳	۳۸/۳	۶۶/۳
فوق لیسانس	۹۴	۲۹/۳	۹۷/۷
دکتری	۷	۲/۲	۱۰۰
مجموع	۳۰۰	۱۰۰	

براساس نتایج جدول ۴ میانگین سال‌های تاهل ۱۴/۷۷ سال و از دامنه ۵ سال تا ۳۸ سال متغیر هست. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دامنه سنی ۵ تا ۱۶ سال فراوانی در بیشترین مقدار خود هست.

جدول ۴. توزیع فراوانی مربوط به سال‌های تاهل افراد

سال‌های تاهل	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۱۴/۷۷	۸/۷۷	۵/۰۰	۳۸/۰۰	

۳-۲. سواد عاطفی

یافته‌های حاصل از توزیع فراوانی سواد عاطفی پاسخ دهندگان (جدول ۵) نشان می‌دهد که میانگین میزان سواد عاطفی پاسخ دهندگان ۶۱/۲۵ است، کمترین میانگین ۴۹/۲۰ و بیشترین ۷۱/۹۳ است. این آمار نشان می‌دهد که ویژگی پاسخ دهندگان با ویژگی افراد با سواد عاطفی بالا مطابقت دارد.



جدول ۵. توزیع فراوانی میزان سواد عاطفی افراد

حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	سواد عاطفی
۷۱/۹۳	۴۹/۲۰	۵/۱۷	۶۱/۲۵	

۳-۳. کمال‌گرایی زوجی

میانگین میزان کمال‌گرایی زوجی در افراد مورد مطالعه برابر با ۱۶۰/۱۴ است کمترین میانگین ۱۱۴/۷۵ و بیشترین ۲۱۵/۱۹ است. با در نظر گرفتن به پرسشنامه و شیوه نمره‌گذاری آن نمره کمال‌گرایی زوجی ۱۰۴ حد متوسط هست؛ بنابراین بر این اساس افراد در پرسشنامه پژوهش کمال‌گرایی زوجی بیشتر از متوسطی را تجربه می‌کنند.

جدول ۶. توزیع فراوانی کمال‌گرایی زوجی در افراد مورد مطالعه

حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	کمال‌گرایی زوجی
۲۱۵/۱۹	۱۱۴/۷۵	۲۰/۱۷	۱۶۰/۱۴	

۳-۴. طلاق عاطفی

میانگین میزان طلاق عاطفی در افراد مورد مطالعه برابر با ۴۲/۲۱ است کمترین میانگین ۲۷/۰۰ و بیشترین ۴۸/۰۰ است. با در نظر گرفتن به پرسشنامه و شیوه نمره‌گذاری آن نمره طلاق عاطفی ۳۶ حد متوسط هست؛ بنابراین بر این اساس بیشتر افراد در این مطالعه طلاق عاطفی بیشتر از متوسطی را تجربه می‌کنند.

جدول ۷. توزیع فراوانی طلاق عاطفی در افراد مورد مطالعه

حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	طلاق عاطفی
۴۸/۰۰	۲۷/۰۰	۶/۴۴	۴۲/۵۱	

۳-۵. عوامل تأثیرگذار بر طلاق عاطفی در افراد مورد مطالعه

به‌منظور اندازه‌گیری تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته "اتلاق عاطفی" از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. در تحقیق حاضر، معادله تا دوگام پیش رفت (جدول ۸)، به طوری که در نخستین گام، متغیر "سواد عاطفی" وارد معادله گردید. مقدار ضریب تعیین آن برابر با ۰/۴۷ است. در گام دوم، متغیر "کمال‌گرایی زوجی" وارد معادله شد و ضریب تعیین را به ۰/۵۱ افزایش داد؛ بنابراین به‌طور کلی، ۱۲ درصد از طلاق عاطفی افراد مورد مطالعه توسط دو متغیر مذکور تبیین می‌شود. معادله رگرسیون و یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون مربوطه در ادامه نشان داده شده است (جدول ۸).

$$(\text{کمال‌گرایی زوجی}) + (0.41 \times \text{سواد عاطفی}) - 26.01 = \text{طلاق عاطفی}$$

جدول ۸. توزیع فراوانی طلاق عاطفی در افراد مورد مطالعه



سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد شده		متغیر	مدل
		Beta	خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۵/۷۶		۴/۵۱	۲۶/۰۱	ضریب ثابت	
۰/۰۰۰	۶/۲۳	-۰/۳۴	۰/۰۶	-۰/۴۱	سواد عاطفی	
۰/۰۰۱	۳/۲۷	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۵۷	کمال‌گرایی زوجی	

۴. نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی جزو مهم‌ترین علل طلاق رسمی محسوب می‌شود؛ از این رو شناخت آنچه زوجها را به مرحله طلاق عاطفی می‌رساند کلیدی است. شیوع طلاق عاطفی در جامعه‌ی کنونی، لزوم بررسی آن را از جنبه‌های متعدد برجسته می‌نماید هدف از این پژوهش گشودن دریچه‌ای برای نشان دادن اهمیت و کارایی این امر بوده است. نظر به اهداف این پژوهش ابتدا ویژگی‌های فردی و جمعیت شناختی افراد مورد مطالعه و عوامل زمینه‌ی مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌ها، میانگین سنی افراد حدود ۳۹/۳۷ سال است. اکثریت افراد، سطح تحصیلات در مقطع کارشناسی دارند. نتایج نشان داد میانگین سال‌های تاهل ۱۴/۷۷ سال و از دامنه ۵ سال تا ۳۸ سال متغیر هست. به لحاظ ویژگی‌های زمینه‌ای موثر بر طلاق عاطفی نتایج نشان داد که ویژگی پاسخ‌دهندگان با ویژگی افراد با سواد عاطفی بالا مطابقت دارد. به گونه‌ای که میانگین میزان سواد عاطفی پاسخ‌دهندگان ۶۱/۲۵ است. شرکت کنندگان کمال‌گرایی زوجی بیشتر از حد متوسطی را تجربه می‌کنند؛ که بیانگر این است که افراد درک نکرده‌اند کمال‌گرایی زوجی اثرات منفی بر کیفیت رابطه زناشویی دارد. نتایج نشان داد بیشتر افراد در این مطالعه طلاق عاطفی بیشتر از متوسطی را تجربه می‌کنند در ادامه یافته‌ها نشان داد ۱۲ درصد از طلاق عاطفی افراد مورد مطالعه توسط دو متغیر سواد عاطفی و کمال‌گرایی زوجی تبیین می‌شود در معادله فوق نتایج نشان می‌دهد که سواد عاطفی می‌تواند باعث کاهش طلاق عاطفی شوند. این در حالی است که کمال‌گرایی زوجی باعث افزایش طلاق عاطفی می‌گردد.

۵. مراجع

۱. اسکندری‌پور، هدی؛ رابطه تاب‌آوری و رضایت زناشویی با میزان طلاق در زوجین شهرایلام پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق، سیویلیکا، ۱۳۹۵.
۲. هاشمی، سیده فاطمه؛ اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد؛ نقش سواد عاطفی در پیشبینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض. فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمان، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۹۵، صفحات ۶۰-۷۲.
۳. هومن، حیدر علی؛ مدل یابی ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

4. Bergmann, M. S., Freud's three theories of love in the light of later developments. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, Vol. 36, No. 3, 1988, pp. 653-672.

5. Bohannan, P., *Divorce and after: An analysis of the emotional and social problems of divorce*. Garden City, NY: Anchor, 1970.



6. Davis, W. E., Abney, S., Perekslis, S., Eshun, S. L., & Dunn, R., Multidimensional perfectionism and perceptions of potential relationship partners. *Personality and Individual Differences*, Vol. 127, 2018, pp. 31-38.
7. Felin, E., *A Peculiar Kind of Particularity: Plants and Animals in Marianne Moore's Early Poetry*. *Modernist Cultures*, Vol. 18, No. 1, 2023, pp. 43-67.
8. Flett, G. L., & Hewitt, P. L., *Perfectionism and maladjustment: An overview of theoretical, definitional, and treatment issues*, 2002.
9. Gillum, J., *Using Emotional Literacy to Facilitate Organisational Change in A Primary School: A Case Study*. Ph.D. Thesis, Unpublished. Birmingham: University of Birmingham, 2010.
10. Matson, R. E., Rogge, R. D., Johnson, M. D., Davidson, E., K., B., & Fincham, F.D., The positive and negative semantic dimontions of relationship satisfaction. *Personsel Relationship*, Vol. 20, 2013, pp. 328-355.
11. Schaan, V. K., Schulz, A., Schächinger, H., & Vögele, C., Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of affective disorders*, Vol. 257, 2019, pp. 91-99
12. Steiner, C., *Emotional literacy: Intelligence with a heart*. Personhood Press, 2003.
13. Tew, M. *School Effectiveness: Supporting Student Success through Emotional Literacy*. London: Sage, 2007.
14. Xu, M., Thomas, P. A., & Umberson, D., Marital quality and cognitive limitations in late life. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Science and Social Sciences*, Vol. 71, No. 1, 2016, pp. 165-176.